

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل ششم :

راز قربانی مقدس : آیین سپاس

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت دوم: روح القدس کلیسا را در مسیح متحد می کند

فهرست

۵۰۹	فصل ششم: راز قربانی مقدس: آیین سپاس
۵۱۳	خلاصه ی تعلیمات رسمی
۵۱۴	قسمت دوم: ترتیب برگزاری آیین نیایش در کلیساهای محلی مختلف
۵۱۶	الف- آیین اعلام کلام خدا
۵۱۶	ب- آئین سپاسگزاری
۵۱۶	۱- آئین بزرگداشت آدای و ماری
۵۱۷	گروه های آئین نیایش شرقی
۵۱۸	آیین بزرگداشت رسولان آدای و ماری
۵۱۸	ترجمه ی متن آیین
۵۲۰	سپاسگزاری
۵۲۱	قدوس
۵۲۱	شفاعت
۵۲۲	طلب نزول روح القدس
۵۲۳	مدح و ثنا
۵۲۲	۲- آیین هیپولیتوس رومی
۵۲۴	سنت رسولی
۵۲۵	Anaphora آنافورا
۵۲۶	ندای استقبال
۵۲۷	سپاسگزاری
۵۲۷	روایت بنیانگذاری سپاسگزاری
۵۲۸	Anamnesis یادبود
۵۲۸	طلب نزول روح القدس Epiclesis
۵۲۹	مدح و ثنا

۵۲۴	۲- آیین هیپولیتوس رومی
۵۲۵	سنت رسولی
۵۲۶	آنافورا Anaphora
۵۲۷	ندای استقبال
۵۲۷	سپاسگزاری
۵۲۸	روایت بنیانگذاری سپاسگزاری
۵۲۸	یادبود Anamnesis
۵۲۹	طلب نزول روح القدس Epiclesis
۵۲۹	مدح و ثنا
	نتیجه گیری

فصل ششم راز قربانی مقدس: آیین سپاس

قسمت اول: منشأ، بنیانگذاری و معنای آن

غم نخور از دیده کان عیساتر است چپ مرو تا بخشدت در خم راست

عیسا روح تو با تو حاضر است نصرت از وی خواه که خوش ناصر است (مثنوی، دفتر دوم، ۴۵۲-۴۵۱)

در فصل قبل دیدیم که نان قربانی مقدس که بدن مسیح است کلیسا را تغذیه نموده و خود کلیسا را تبدیل به بدن مسیح می نماید. حال وقت آن رسیده که این فصل ویژه را به موضوع راز قربانی مقدس که بارها به آن اشاره شده اختصاص دهیم^۱. اما برای درک بیشتر این فصل در باب راز قربانی مقدس که نقطه مرکزی زندگی مسیحیت می باشد بهتر است قبلاً متونی را که در پاورقی این صفحه ذکر شده اند مطالعه کنیم.

اسرائیلیان قدیم را رسم بر این بود که با نیایش (BERAKOTH) (ترا مبارک می خوانیم ای خداوند) عید «برکات»^۲ را جشن بگیرند تا بدین سان مراتب سپاسگزاری خود را نسبت به خدا برای تمام نعمت های او ابراز دارند. هدف اساسی خادمین خدای قادر مطلق از برگزاری این برکات، قدردانی از عطایای الهی و تکریم خاطره ی این عطایا همراه با حس قدردانی، شکرگزاری و اظهار امتنان (که لغت یونانی آن اوکاریستیا است) می باشد. به وسیله ی همین شکرگزاری مداوم است که انسان کار آفریدگار را بازشناخته و مراتب قدردانی خود را بیان



۱- ر. ک به بخش اول، فصل سوم؛ بخش سوم، فصل دوم؛ بخش چهارم، فصل پنجم؛ بخش پنجم، فصل دوم، (عشای مقدس)، (وداع)، (خیانت یهودا)، فصل سوم (ظهور مسیح بر بطرس).

۲- «برکات» کلمه ای است عبری.

نموده به نام تمام آفرینش، جلال او را به او «بر می گرداند». انسان که ضمیر آگاه خلقت است با این حالت سپاسگزاری مداوم پیوند متحد کننده ی خلقت و خالق را بازشناخته مراتب قدردانی خود را ابراز می دارد و به وسیله همین یادآوری حق شناسانه، جریان محبتی را که بین آفریدگار و خلقتش وجود دارد محفوظ داشته از این طریق هم آهنگی عالم را استوار می سازد.

پس مسیح در شامگاه پنج شنبه ی مقدس چنین آیین «برکتی» را با جلوس خود بر سفره ی شاگردان برگزار نمود. این موضوع پس از خواندن روایت لوقای قدیس (۲۲: ۱۷-۲۰) و مقایسه آن با مراسم برکت غذای یهودی که در کتاب میشنا^۳ تشریح شده به وضوح روشن می شود.

این مراسم در ابتدای صرف غذا با گفتن: «خجسته باد خداوند ما خدا، مالک قرون که این میوه ی تاک را به ما می دهی.»

پیاله برای بار اول برکت داده می شود تا همه از آن بنوشند. به همین دلیل عیسا پیاله را برای اولین بار (آیه ۱۸) برداشته می گوید «تا ملکوت خدا نیاید از میوه ی تاک دیگر نخواهم نوشید» (آیه ۱۸). که در اینجا شراب نوین اشاره ای به روح القدس می باشد.

چنان چه خدمتکاری حضور نداشت جوان ترین عضو خانواده کوزه ای آب می آورد تا پیر خانواده دست هایش را بشوید و این همان چیزی بود که یوحنا ی قدیس، جوان ترین رسولان انجام داد اما عیسا کوزه را از دست وی گرفته شروع به شستن پاهای رسولان خود کرد^۴ (یو ۱۳: ۷-۱۷).

سپس پیر خانواده یهودی نان را بر می داشت و آن را پاره کرده می گفت: «سپاس باد خداوند ما خدا، پادشاه قرون که نان را از زمین به وجود می آورد، خدای را سپاس گوئیم که ما را از پری خود تغذیه می نماید». در همین جاست که عیسا «نان را گرفته سپاسگزاری کرده و پاره کرده و به ایشان داد و گفت: این تن من است که برای شما داده می شود، این را به یاد من به جای آرید» (لو ۱۹: ۲۲). پس عیسا حرکت سنتی پیر خانواده یهودی را تکرار می کند ولی با مشخص کردن نان به عنوان بدنی که بر روی صلیب به خاطر زندگی دنیا عطا خواهد شد مفهوم کاملاً جدیدی به این مراسم می بخشد.

بعد از شام، پیر خانواده، پیاله را برای بار دوم برداشته آن را برکت می داد و به همین سبب عیسا «بعد از شام همین کار را انجام داد» یعنی پیاله را برای بار دوم گرفت و گفت: «این پیاله عهد جدید در خون من که برای شما ریخته می شود» (آیه ی ۲۰). به این ترتیب، دو بار برکت دادن پیاله که فقط لوقای قدیس آن را ذکر می کند روشن می شود؛ ولی عیسا بار دیگر با نامیدن خون خود به عنوان شراب به این برکت دادن ها مفهوم جدیدی می بخشد، خونی که فردای آن شب بر صلیب ریخته خواهد شد و به این طریق عهد جدیدی را بین خدا و انسان ها مهور خواهد ساخت.^۵

۳- نام کتاب مجموعه دعاها ی یهودی (ر. ک کتاب بهار آیین نیایش، صفحه ۱۳-۳۴).

۴- ر. ک بخش پنجم، فصل دوم (شام آخر).

۵- ر. ک بخش پنجم، فصل دوم (شستن پای شاگردان).

پولس قدیس روایت لوقا را در اول قرن‌تینان ۱۱:۲۳-۲۶ با افزودن جمله ای چنین تکمیل می نماید: «هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید موت خداوند را اعلام می نمایید تا هنگامی که باز آییم».

پس، برکت دادن غذا از راه تقدیم تشکرآمیز نان و شراب به خدایی که خود آنها را عطا کرده بود با تقدیم عیسا در فردای آن شب یعنی جمعه مقدس همراه بود، تقدیم بدن و خون بر صلیب که به انعقاد عهد جدید بین خدا و قومش از طریق قربانی عیسا برای بخشش گناهان خواهد انجامید. «این را به یاد بود من به جا آرید... تا هنگامی که باز آییم» پس می بینیم که برکت غذا همراه با تقدیم پر از شکرگزاری نان و شراب به خدایی که آن را به ما داده بود، به تقدیم قربانی تن و خون عیسا که بر صلیب روز جمعه ی مقدس و هم چنین با بستن عهد نوینی مابین خدا و قوم خویش توسط این قربانی مسیح، جهت بخشایش گناهان ما با هم مشترک شده است. عیسا می گوید: «این را به یاد من انجام دهید تا روزی که دوباره خواهم آمد». از این به بعد برگزاری این شام با یادآوری حاکی از حق شناسی مرگ و رستاخیز نجات دهنده ی ما که قوم خود را به سرزمین موعود یعنی ملکوت خویش وارد خواهد نمود مرتبط خواهد بود. از زمان رستاخیز مسیح تا بازگشت او ما خاطره ی تمام اعمال نجات بخش وی را از روز رنج و مرگش تا بازگشت پرجلال به وسیله ی برگزاری این شام گرامی می داریم. ولی این گرامی داشت یا ذکر، که لغت عبری آن «ذکرون» است تنها یادآوری یک خاطره و یک تفکر محض نیست بلکه سهم شدن و شراکت دسته جمعی در «یادآوری» رویدادهای نجات بخش مرگ، قبر، رستاخیز، صعود، جلوس به دست راست پدر و بازگشت خداوند که اهمیت جاودانی دارند می باشد. این رویدادها که در زمان معینی از تاریخ اتفاق افتاده اند انسان های همه ی دوران ها را نجات می دهند و زمانی که ما این رویدادها را در یاد بود آیین سپاسگزاری یادآوری می کنیم از دایره ی زمان خارج می شویم تا در حرکت جاودانی پسر خدا که برای راهنمایی قومش به سوی ملکوتش از میان قوم خود گذر می کند شرکت نماییم.

به وسیله ی کار روح القدس، یادآوری یا انجام مراسمی در برهه ای از زمان به صورت سهم شدن و مشارکت در حرکت جاودانی پسر در می آید چون در واقع روح القدس «آنچه را که عیسا گفت به یاد ما می آورد» (یو ۱۴:۲۶)... «بر او شهادت می دهد» (۱۵:۲۶)، «از آن چه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد» (۱۶:۱۴). بنابراین، توسط روح القدس است که انجام این مراسم تبدیل به مشارکت و سهم شدن می شود.

اکنون اهمیت آیین نیایش را می توان به خوبی درک نمود. هر آن چه مسیح در آن زمان برای انسان ها انجام داد، در زمان حال نیز انجام می دهد و در آینده نیز انجام خواهد داد توسط این آیین به ما می رسد و این آیین محل راستین «ملاقات ما با عیسا نجات دهنده است». طی این آیین است که - در عین انتظار



ضیافت ملکوت - جشن عروسی عیسا و عرووش برگزار می شود. طی این آیین ما با شرکت در راز خون و بدن عیسا به همراهی برادران خود در راز کلیسا شرکت نموده با دریافت بدن و خون عیسا رستاخیز کرده در راز بدن او داخل شده به تعمق در رستاخیز وی می پردازیم.

همه ی اینها را با مطالعه ی جزئیات برگزاری آیین نیایش بهتر درک خواهیم نمود ولی واضح است که شرکت در راز نان و شراب، راز محبتی است که بیش از آن چه خودش را به ما بفهماند در ما زندگی می کند و البته شرکت در خود آیین با اهمیت تر از توصیف آن می باشد.

« خلاصه ی تعلیمات رسمی »

در کتاب خلاصه ی تعلیمات کلیسای کاتولیک چنین نوشته شده است:

راز آیین سپاسگزاری:

۲۷۱- راز سپاسگزاری چیست؟

راز سپاسگزاری، خود قربانی تن و خون خداوند عیسا می باشد که آن را برپا کرد برای این که طول قرون تا بازگشت پرجلال او قربانی صلیب را جاودان سازد و بدین ترتیب یادبود مرگ و رستاخیزش را به کلیسای خود واگذار کرد. راز سپاسگزاری نشانه ی اتحاد، پیوند محبت و شام گذر که در آن ایمان داران مسیح را می پذیرند و سرشار از راز فیض می گردند و ضمانت زندگی ابدی را به ایشان داده می شود.

۲۷۲- در چه زمانی مسیح راز سپاسگزاری را برپا کرده است؟

روز پنج شنبه ی مقدس « شنبی که او تسلیم می شد » (۱ قرن ۱۱: ۳) چون با رسولانش آخرین شام را جشن می گرفت این راز را برپا کرد.

۲۷۳- چگونه این راز را برپا کرد؟

چون در بالاخانه شاگردانش را جمع کرده بود، « عیسا خداوند در شنبی که او را تسلیم کردند نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: « بگیری و بخورید، این است بدن من که برای شما پاره می شود. این را به یادگاری من به جا آرید. » و هم چنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: « این پیاله عهد جدید است در خون من، هرگاه این را بنوشید به یادگاری من زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید موت خداوند را ظاهر می نمایید تا هنگامی که باز آید. » (۱ قرن ۱۱: ۲۳-۲۶؛ ر.ک لو ۲۲: ۱۴-۲۰).

۲۷۴- در زندگی کلیسا راز سپاسگزاری چه اهمیتی دارد؟

این راز سرچشمه و قلم زندگی مسیحی می باشد، در این راز عمل تقدیس خدا در ارتباط با ما و پرستشی که نسبت به او انجام می دهیم به اوج می رسند. این راز تمام گنجینه روحانی کلیسا را دربر دارد یعنی خود عیسا که گذر ما (از این دنیا به سوی پدر) می باشد، مشارکت در زندگی الهی و اتحاد قوم خدا در این راز بیان شده و به تحقق می رسد، از راه برپا کردن این آیین از قبل در آیین آسمانی متحد شده و پیشاپیش در زندگی ابدی مشارکت می نمایم.

۲۷۵- چگونه این دنیا را راز می نامند؟

ارزش بی انتهای این راز با اسامی مختلف که دیدگاه های خاص را اعلام می کنند، آشکار می گردد. این اسامی به کار برده می شود: سپاسگزاری، شام خداوند، تقسیم نان، آیین سپاسگزاری، یادبود در رنج و مرگ، مرگ و رستاخیز خداوند ما، قربانی مقدس، آیین مقدس و الاهی، رازهای مقدس، راز مقدس قربانگاه، مشارکت.

۲۷۶- در طرح الاهی نجات، این راز چه جایگاهی دارد؟

در عهد قدیم، این راز مخصوصاً توسط شام عید پسخا «گذر» از پیش نشان داده شده است، شامی که یهودیان هر سال با نان فطیر به یادبود عزیمت فوری و آزاد کننده از مصر برپا می کنند. عیسا در تعلیماتش این راز را از قبل اعلام کرده و آن را با جشن آخرین شام عید گذر همراه با رسولاتش برپا کرد. چون خداوند فرمود: «آن را به یاد من انجام دهید» (۱قرن ۱۱: ۲۴)، با وفاداری کلیسا همیشه و مخصوصاً در روز یکشنبه یعنی در روز رستاخیز عیسا، راز سپاسگزاری را برپا می کند.

۲۷۷- چگونه آیین سپاسگزاری برپا می شود؟

در دو قسمت بزرگ که تنها يك آیین تشکیل می شوند برپا می شود: یعنی آیین سخن خدا با اعلام و تفسیر آن و آنافورا (تقدیم قربانی) که آوردن نان و شراب، نیایش، همراه با کلمات تقدیس کننده عیسا، طلب روح القدس و مشارکت در بدن و خون مسیح را دربر دارد.

۲۷۸- خادم راز سپاسگزاری چه کسی می باشد؟

کاهن (اسقف یا کشیش) است که به صورت معتبر تقدیس شده و در شخص خود عیسا که رأس کلیساست و به نام کلیسا این آیین را برپا می کند.

۲۷۹- عناصر اساسی و الزامی برای راز سپاسگزاری کدام می باشند؟

نان گندم، شراب انگور می باشند.

۲۸۰- از چه دیدگاهی راز سپاسگزاری، یادبود قربانی مسیح می باشد؟

راز سپاسگزاری بدین معنی یادبود می باشد که مسیح، قربانی را يك بار برای همیشه بر صلیب جهت نجات بشریت به پدرش تقدیم کرده و راز سپاسگزاری، این قربانی را موجود و حاضر می سازد. خصلت قربانی بودن این راز در خود کلام مسیح در شام آخر متجلی است که گفت: «این تن من است که برای شما تسلیم می شود» (این جام، عهد جدید در خون من که برای شما ریخته می شود هست) (لوقا ۱۹: ۳۰-۳۱). قربانی صلیب و قربانی راز سپاسگزاری، تنها يك قربانی هستند که در آن، قریه و شخصی که آن را تقدیم می کند یکی هستند. تنها طرز تقدیم آن فرق می کند. قربانی بر صلیب خونین بوده و در راز سپاسگزاری خونین نمی باشد.

۲۸۱- چگونه کلیسا در قربانی راز سپاسگزاری شریک می شود؟

در راز سپاسگزاری، قربانی مسیح قربانی اعضای تن او نیز می شوند. زندگی ایمانداران، تمجید و نیایش و کار آنان با زندگی مسیح متحد می شوند. به عنوان قربانی، راز سپاسگزاری برای همه ایمانداران، برای زندگان و مردگان، جهت جبران گناهان همه ی انسان ها، تا از خدا موهبت روحانی و دنیوی را بدست آورند نیز تقدیم می شود. علاوه بر این، کلیسای آسمانی در تقدیم مسیح حاضر است.

۲۸۲- چگونه عیسا در راز سپاسگزاری حاضر است؟

عیسای مسیح در این راز به صورت واحد و بی نظیر حاضر است. در واقع به صورت حقیقی و واقعی و جوهری با تن و خون و با جان و الوهیت خود حاضر است، بنابراین در راز سپاسگزاری، مسیح کامل یعنی هم خدا و هم انسان رازگونه در زیر شکل دیدنی نان و شراب، مسیح کامل یعنی خدا و هم انسان حاضر است.

۲۸۳- استحاله ی جوهر (دگرگونی جوهر) چه معنایی دارد؟

استحاله ی جوهر، معنی دگرگون شدن تمام جوهر نان به جوهر تن مسیح و تمام جوهر شراب به جوهر خون او می باشد. این تبدیل در طول نیایش سپاسگزاری توسط تأثیر کلام مسیح و نفوذ روح القدس انجام می شود. البته صورت ظاهری نان و شراب یعنی «عناصر سپاسگزاری» تغییر نمی یابد.

۲۸۴- آیا پاره کردن نان، مسیح را تقسیم می نماید؟

پاره کردن نان، مسیح را تقسیم نمی کند. او در هر عناصر سپاسگزاری و هر پاره آن کاملاً و تماماً حضور دارد.

۲۸۵- تا به کی حضور مسیح در عناصر سپاسگزاری باقی می ماند؟

مادامی که عناصر سپاسگزاری باقی می ماند حضور او دوام دارد.

۲۸۶- چه نوع پرستشی به راز سپاسگزاری باید انجام شود؟

باید آن را همان پرستشی انجام می شود که تنها مخصوص خداست، خواه در طول آیین سپاسگزاری، خواه در بیرون از آن. در واقع، کلیسا تن مسیح را به صورت نان تقدیس شده، با دقت تمام نگهداری می کند و آن را به مریضان و اشخاصی که نمی توانند در آیین سپاسگزاری شرکت کنند می دهند. آن نان تقدیس شده را جهت پرستش باشکوه ایمان داران اظهار می نماید و با گروه با تجلیل آن را بر گرد ساختمان کلیسا می چرخند و ایمان داران را دعوت به بازدید و پرستش این راز قدوس را که در گنجینه خاص محفوظ شده است می کند.

۲۸۷- چگونه آیین سپاسگزاری، شام عید می باشد؟

آیین سپاسگزاری، شام عید گذر هست چون مسیح که به صورت راز، گذر خود به سوی پدر انجام می دهد، تن و خون خود را تقدیم شده به صورت خوردنی و نوشیدنی به ما می دهد، در قربانی خود، ما را به خودش و در بین خودمان متحد می سازد.

۲۸۸- میز قربانگاه چه معنایی دارد؟

میز قربانگاه، نماد خود مسیح می باشد که به عنوان قربانی تقدیم شده (قربانگاه در ارتباط با قربانی صلیب) و به عنوان خوراک آسمانی که به ما داده می شود (میز قربانی در ارتباط با سفره شام آخر) حاضر می باشد.

۲۸۹- در چه مواقعی کلیسا ایمان داران را ملزم می کند که در آیین سپاسگزاری شرکت کنند؟

کلیسا ایمان داران را ملزم می کند که بکشنبه ها و اعیاد مهم در آیین سپاسگزاری شرکت کنند و توصیه می کند که ایام دیگری در این راز شریک شوند.

۲۹۰- در چه مواقعی باید نان مقدس را پذیرفت؟

کلیسا به تعمیم یافتگان توصیه می کند هر زمان که در آیین سپاسگزاری شرکت می کنند، نان مقدس را با آمادگی لازم بپذیرند و آنان را ملزم می کند که حداقل در ایام عید رستاخیز مسیح، آن را بپذیرند.

۲۹۱- برای پذیرفتن نان مقدس چه آمادگی هایی لازم است؟

برای پذیرفتن نان مقدس باید کاملاً با کلیسای کاتولیک مشارکت داشته باشد و در وضعیت فیض بسر برد، یعنی بدون آگاهی وجدان که مرتکب گناه سنگین شده باشد. کسی که آگاهی دارد که گناهی سنگین مرتکب شده باید قبل از پذیرفتن نان مقدس، در راز اعتراف و آشتی به او بخشش داده شده باشد. علاوه بر این، شخص باید روحیه ی سرشار از سکوت و دعا و روزه ای که کلیسا می خواهد، انجام داده باشد و رفتار شایسته (حرکات و لباس) به عنوان نشانه ای از احترام به مسیح داشته باشد.

۲۹۲- ثمرات پذیرایی نان مقدس کدام می باشند؟

نان مقدس، اتحاد ما با مسیح و به کلیسایش را عمیق تر می سازد. زندگی در فیض که در راز تعمیم و تثبیت روح القدس پذیرفته ایم، حفظ کرده و احیا می کند و محبت نسبت به هموعان را نیز افزایش می دهد، چون ما را در محبت استوارتر می سازد گناهان سبک را پاک کرده و در آینده ما را از مرتکب شدن گناه سنگین برحذر می دارد.

۲۹۳- در چه مواقعی می توان نان مقدس را به مسیحیان غیرکاتولیک داد؟

خادمان کاتولیک اجازه دارند به مسیحیان کلیساهای شرق که هنوز کاملاً با کلیسای کاتولیک مشارکت ندارند ولی با آمادگی لازم، آزادانه آن را می خواهند، نان مقدس را بدهند. اما درباره ی اعضای جماعت های کلیساهای دیگر، خادمان کاتولیک اجازه دارند به تعمید یافتگان که به خاطر ضروریات مهم آزادانه آن را می طلبند، بدهند اگر آمادگی لازم را داشته باشند و ایمان کلیسای کاتولیک را درباره ی این راز ابراز نمایند.

۲۹۴- چرا آیین سپاسگزاری «تضمینی» برای جلال آینده می باشد؟

زیرا راز سپاسگزاری از تمام فیض و برکات آسمانی ما را لبریز کرده و برای گام نهادن در این زندگی به ما قدرت می دهد و اشتیاق ما نسبت به زندگی ابدی را در قلب مان عمیق ساخته و از قبل ما را به عیسیای مسیح که در جلال به دست راست پدر نشسته و هم چنین به کلیسا در آسمان یعنی به مریم عذرا و تمام قدیسین ما را متحد می سازد. «در آیین سپاسگزاری، یک نان پاره می کنیم که داروی جاودانگی است، پادزهری که نمیریم بلکه در عیسیای مسیح تا ابد زندگی کنیم» (ایگناسیوس، اسقف انطاکیه).

تبصره = این راز به اسامی مختلف معروف است:

- عشاء ربانی
- آیین سپاسگزاری
- شام آخر
- شام خداوند
- نان مقدس
- قربانی مقدس
- نماز کلیسا

البته هر کدام از این اسامی، به یکی از معانی این راز عمیق اشاره می کند.

قسمت دوم

ترتیب برگزاری آیین نیایش در کلیساهای محلی مختلف

کهربای فکر و هر آواز او لذت الهام و وحی و راز او (مثنوی، دفتر اول، ۱۴۰۸)

از زمانی که شاگردان پس از پنطیکاست «نسبت به تعلیمات رسولان و مشارکت برادرانه در قربانی مقدس و دعا و پاره کردن نان، وفاداری نشان داده اند» کلیسای مسیح هرگز از برگزاری مراسم یادآوری تعلیمات رسولان و پاره کردن نان و دعا در اجتماع برادرانه در هر یکشنبه که یادبود رستاخیز و روز خداوند ما می باشد فروگذاری نکرده و این همان چیزی است که به طور رایج «آیین نیایش الاهی» نامیده می شود.

گرچه برگزاری این آیین نیایش نسبت به سنت های محلی صور بسیار مختلفی به خود می گیرد ولی همیشه و در همه جا با یک قالب معین تطابق دارد. از قرائن چنین برمی آید که این آیین نیایش از سنت رسولی ناشی می شود بدین معنا که طرز عمل رسولان مأخذ عملکرد عمومی تمام کلیساهای محلی شده است. ما در نمایاندن همین طرح رسولی که در تمام آیین کلیساهای قدیم و از آغاز تا به امروز مشاهده می شود سعی و کوشش خواهیم نمود.

برای آگاهی بیشتر از نوع نمازهایی را که در ایران برگزار می شود در این باب اشاره ای به آیین آدای و ماری که امروز در کشور در کلیسای شرق، شرق آشور، و کلدانی کاتولیک برگزار می شود هم چنین هیپولیتوس رومی که امروز که در کلیسای غربی کاتولیک لاتین و اسقفی به کار برده می شود اشاره شده است. اما در تمام آیین های مختلف کلیساهای محلی، با قسمتی مسلماً به آیین کلام خدا شروع می شود.



«بپوه به موسی گفت: اینک از آسمان برای شما نان خواهم بارانید. قوم بیرون خواهند آمد و هر روز آنچه را که برای آن روز لازم است جمع آوری خواهند کرد» (خروج ۱۶:۴).

«من نان حیات هستم. پدران شما در بیابان، منا را خوردند و مردند. این نانی است که از آسمان نازل شد تا هر که از آن بخورد، نمیرد.» (یو ۶:۴۸-۵۰).

الف - آیین اعلام کلام خدا

هر گلی کاندردرون بویا شود آن گل از اسرار گل گویا بود (مشوی، دفتر اول، ۲۰۲۲)

قسمت اول این آیین که در این جا توضیح داده شده است در تمام آیین های کلیسای مسیح وجود دارد. هم چنان که در کنیسه ی یهودیان نیز با اعلام متونی از تورات و پیامبران و آغاز کردن مزامیر و سرودهای دیگر اجرا می شود.

به نقل از ژوستین قدیس (که در سال ۱۵۵ میلادی در رم به شهادت رسید) قبل از برگزاری راز قربانی مقدس، قرائت کتاب مقدس همراه با تفسیر آن به وسیله ی سرپرست مجمع یا اسقف انجام می گرفت و این همان چیزی است که ما آن را معمولاً «آیین نیایش کلام» یا «آیین نیایشی تعمید خواستگان» می نامیم همان چیزی است که ما آن را معمولاً «آیین نیایش کلام» یا «آیین نیایشی تعمید خواستگان» می نامیم (چون حضور آنهایی که به منظور گرفتن تعلیمات دینی به جهت آمادگی برای دریافت تعمید می آمدند در این آیین مجاز بود).

این قرائت ها شامل قسمت های زیر هستند:

۱- قرائت از کتب عهد عتیق: در آیین نیایش ژان کریزوستوم قدیس این قرائت ها عبارتند از مزامیر ۱۰۳ و ۱۴۶ که با آواز خوانده می شوند. در آیین نیایشی بازیل قدیس هنگامی که این آیین با نماز شامگاهی اجرا می گردد، متونی در رابطه با عید همان روز خوانده می شوند. اما در آیین آدای و ماری علاوه بر مزامیر مختلف یک متن از تورات و متنی از پیامبران خوانده می شود.

۲- قرائت رساله: به این معنا که قسمت هایی از رساله های رسولان خطاب به کلیساهای آن زمان قرائت می شود (از قبیل رساله های پولس به رومیان، قرن تیان و تسالونیکیان یا قرائتی از متن اعمال رسولان یا رساله ی پطرس و یعقوب).

۳- قرائت انجیل: یعنی قرائت قسمتی از انجیل متی یا مرقس یا لوقا یا یوحنا که در واقع مراد، قرائت انجیل یگانه و «مژده» یگانه ای است که خداوند ما عیسا مسیح برای دادن آن به انسان ها به این دنیا آمد. به دنبال این قرائت ها تشریح و تفسیر آنها توسط سرپرست مجمع (یعنی اسقف و در صورت نبودنش کشیش) انجام می پذیرد.

بعد از اعلام انجیل، اسقف یا کشیش موعظه می نماید، و کلام را به ایمان داران که هم اکنون اعلام شده، توضیح داده و ارتباط آن را با کلیسای امروز تشریح می کند. در واقع، توسط آئین تقدیس، خود اسقف یا کشیش روح القدس را پذیرفته تا بتواند به صورت رسمی کلام خدا را توضیح

داده آن را در زندگی روزمره پیاده کند. اتفاقاً مأموریتش شامل جمع آوری قوم خدا توسط اعلام این کلام خدا و عمیق تر ساختن ایمان می باشد، قبل از این که توسط شام آخر، مشارکت کلیسا را مستحکم تر سازد. بنابراین، معمولاً یک شخص تعمید یافته در این مهم نباید به جای کشیش این کار را انجام دهد. در نتیجه پی می بریم که قوم خدا از کلام تن گرفته تغذیه می شود، یعنی عیسای مسیح که ما را در اتحاد ایمان جمع آوری می کند، قبل از اینکه به خوراک مقدس دیگری که تن و خون مسیح می باشد نائل گردد.

قسمت اول آیین کلیسا، معمولاً با بیرون رفتن حق جویان و تعمید خواستگان به اتمام می رسد. در ابتدای اجرای مراسم این آیین از حق جویان دعوت می شوند تا کلام خدا را بشنوند چون در حالت پذیرفتن و عمیق تر ساختن ایمان خود به مسیح هستند. اما نمی توانند در شام آخر شریک شوند زیرا هنوز تولد نوینی توسط راز تعمید نیافته اند. اینها مانند بچه ای بسیار محبوب و منتظر که در رحم مادر وجود دارد ولی هنوز چون تولد نیافته نمی تواند در ضیافت خانواده شرکت نماید.

یک قدیس به نام نیکلا کابازیلاس، الهی دان مشهور کلیسا بیژانتینی شهرت تسالونیک که در سال ۱۳۲۲ وفات نمود، در کتابش به عنوان «شهر آیین مقس کلیسا» می نویسد: «راز تعمید، امکان هستی و ماندن در مسیح به می دهد مسیحی که مردگان را می پذیرد و اول به زندگانی رهبری می کند. اما بعد با مسح روغن مقدس آن که تازه تولد یافته تکمیل نموده چون فعالیت طبق چنین زندگانی در او منتقل نماید. و آیین شام آخر این زندگانی و قدرتش را حفظ کنیم و زنده باقی بمانیم. بنابراین توسط این نان در مسیح به می دهد مسیحی که مردگان را می پذیرد و اول به زندگانی رهبری می کند. اما بعد با مسح روغن مقدس آن که تازه تولد یافته تکمیل نموده چون فعالیت طبق چنین زندگانی در او منتقل نماید. و آیین شام آخر این زندگانی و قدرتش را حفظ کنیم و زنده باقی بمانیم. بنابراین توسط این نان زندگی می کنیم و توسط آن روغن حرکت می کنیم ولی اول توسط آن غسل، هستی را می یابیم».

پس در این جا می توان اهمیت خاص راز تعمید را درک کنیم که ما را در مشارکت با زندگی نوین با مسیح رستاخیز کرده که زندگی کلیسا می باشد وارد می سازد.

شخص تعمید یافته که گناهان سنگینی مرتکب شده باشد نیز نمی تواند در این مراسم شرکت کند. چون عهدی را که توسط تعمید با خداوند بسته، شکسته و خود را از مشارکت کلیسا خارج کرد مگر این که قبلاً توسط راز اعتراف و آشتی بخشش خدا را پذیرفته تا بتواند در تن و خون مسیح شرکت نماید.

اما تعمید یافتگان در کلیسای غیر کاتولیک البته به مسیح تعلق دارند و شخصاً هیچ گناه الحادی یا انشقاق مرتکب نشده اند اما کلیسای ایشان در مشارکت کامل با کلیسای ما نمی باشد. بنابراین معمولاً نمی توانند در شام آخر که مشارکت کلیسا را نشان داده برپا می کند، شرکت نمایند. البته اگر ایماننداری در کلیسایش کشیش وجود نداشته باشد و نتواند نان مقدس را دریافت نماید، اسقف می تواند به او اجازه دهد که در کلیسا به او نان مقدس داده شود.



این همه مقررات که از یک دیدگاه ناراحت کننده می باشد به صورت واضح معنی شام آخر که مشارکت در تن و خون مسیح، و برپا کردن کلیسا به عنوان مشارکت به صورت روشن به ما نشان می دهند.^۶

ب - آئین سپاسگزاری

۱- آئین بزرگداشت آدای و ماری

پیشگفتار

گروه های آئین نیایش شرقی

در بین آئین های نیایش شرقی دو گروه اصلی وجود دارد. گروه اسکندریه که متعلق به حوزه ی اسقفی اسکندریه است و گروه انطاکیه که متعلق به حوزه ی اسقفی انطاکیه می باشد. گروه اسکندریه، شامل مراسم قبطی (مصری) و حبشه ای است. گروه انطاکیه، به دو نوع سوری غربی و سوری شرقی تقسیم می گردد. نوع سوری غربی شامل مراسم سوری انطاکیه ای، مارونیت، بیزانس و ارمنی می باشد. نوع سوری شرقی، شامل مراسم نسطوری، کلدانی و مالابار است. در این نوع از مراسم است که آیین بزرگداشت یا آنافورای «رسولان مقدس» آدای و ماری از سوی توسط مسیحیان شرق آشور^۷ و از سوی دیگر توسط مسیحیانی که پیرو کلیسای کلدانی و مالابار بوده و با روم در مشارکت هستند، برپا می گردد.

۶- البته کلیسا، تعمید خواستگان را با ایمان می پذیرد و هیچ وقت آنها را از خود دور نمی سازد، در قسمت اول نیایش، کوشش می کند که به آنها تعلیم دهد، با محبت کامل مثل محبت مادر نسبت به طفلی که هنوز به دنیا نیامده، اما این طفل یا تعمید خواسته، که هنوز تولد نیافته، چگونه می تواند در سفره خانواده شریک شود؟

۷- مراسم آیینی کلیسای شرق آشور، سه آنافورا مرسوم است: نیایش آدای و ماری، نیایش تئودور مویسوستیا و نیایش نسطوریوس. نسطوریان قبرس و کلدیه در قرن پانزدهم و شانزدهم با روم مشارکت یافتند و آیین نیایش نسطوری را با اندکی اصلاحات حفظ کردند. آیین مالابار توسط جوامع مسیحیان مالابار (در هند)، که در گذشته توسط مبشرین نسطوری تشکیل شده بود و در قرن هفدهم به روم پیوستند، رعایت می شود. این، جوامع نیایش بزرگداشت یا آنافورای آدای و ماری را حفظ کردند اما نیایش های تئودور مویسوستیا و نسطوریوس را برگزار نمی کنند. آن عده از مسیحیان مالابار که به روم نیوستند، کلیسای مالانکار را تشکیل داده و مراسم سوری انطاکیه را برگزار می نمایند.

آیین بزرگداشت رسولان آدای و ماری

در بین آیین های نیایش به زبان سریانی، آیین آنافورای «رسولان، آدای و ماری» دارای جایگاه خاصی است. زیرا در حالی که آنافورای «تئودور اهل موپسوستیا» (Theodore Mopsueste) و نسطوریوس نشانه هایی از آن دارد که از متن اصلی یونانی ترجمه و یا اقتباس شده است، آنافورای آدای و ماری به احتمال زیاد مستقیماً به زبان سریانی نوشته شده است. از سوی دیگر، ویژگی های سبک و اسلوب (کثرت لغات و استعارات و توازی جمله ها) و الاهیات آن را با نیایش «قبل از صرف غذا» ی یهودیان مرتبط می سازد که این امر مبین قدمت آن است. بنا به گفته ی «ب. بوت» (B. Botte) قدمت آن دست کم در شکل اولیه اش به قرن سوم باز می گردد و بدین ترتیب با «آنافورای» هیپولیتوس رومی معاصر است. و «ل. بویه» (L. Bouyer) با جرأت تمام اظهار می دارد که: «تمام شواهد دلالت بر آن دارند که این نیایش، کهن ترین تصنیف آیین سپاس مسیحی است که امروزه در دست داریم».

آن چه در این نیایش بزرگداشت بیشتر جلب توجه می نماید چیزهایی است که در آن ذکری از آن نیامده است یعنی تکرار سخن عیسا در زمان شام آخر چون در واقع فاقد شرح بنیانگذاری آیین سپاسگزاری است. در برابر امری چنین غیرعادی که بصیرت متخصصین آیین های نیایش را در بوته ی آزمایش قرار می دهد و کاربرد نظریات را دشوار می سازد، واکنش ها بسیار متفاوت است.

اما به نظر می رسد که باید توجه خود را به وجود دو سنت از مراسم نیایش بزرگداشت (آنافورا) معطوف داریم. نخستین آن، بازگویی روایت بنیانگذاری آیین سپاسگزاری و ارزش تقدیسی آن است. دومین آن که لااقل در نزد سوریان شرقی معمول بوده است، تأییدی بر لزوم بیان صحنه ی شام آخر نداشته و بیشتر توجه خود را به اهمیت طلب نزول روح القدس جهت تقدیس تقدیمی ها معطوف می دارد (ر. ک سیریل اورشلیم، Cyrille of Jerusalem: «آموزش رازشناسی» باب ۵، آیه ی ۷). بدین سان، به طور ضمنی بر تقدم صرف عمل بریابی این نیایش (صحنه ی شام آخر برپا می گردد) نسبت به سخنان (می گویند که آن را برپا می دارند) تأکید می شود.

آیین رسولان آدای و ماری، سنت بسیار قدیمی نشان می دهد که خود کلام عیسای مسیح در شام آخر را روایت نمی کند. این آیین نشان می دهد و یادآوری می کند که نماز اصولاً سپاسگزاری است (Eucharistein) جهت همه ی برکاتی که پدر، توسط یکتا پسرش عیسای مسیح به ما داده است و نه یک نمایش مراسم شام آخر نمی باشد.

در واقع، سخن عیسا در شام آخر، سخنی است که کشیشان آن را تکرار می کنند ولی آنها نیستند که نان و شراب را تقدیس می کنند و تمام آیین اجرا شده؛ و احتیاج نیست بگویم آن چیزی که به عمل می آوریم...

کلیسای قدیم شرق آشور، امروز این آیین را بدون کلمات مسیح در شام آخر برپا می کند با این که

کلیسای کلدانی کاتولیک عادت کرده این روایت را بر اثر مشارکت با کلیسای لاتین در این آیین بگنجانند.

این برداشت قدیم، ظاهراً با اصول اعتقادی کلیساها، مخصوصاً در اروپا تطبیق نمی‌کند، اما بالاترین مرجع اقتدار کاتولیک در واتیکان در روز بیستم جولای ۲۰۰۱ قبول نمودند که چنانچه احتیاج باشد ایمان داران کلدانی کاتولیک در آن آیین کلیسای شرق آشور شرکت نمایند و از این راه اعتبار این آیین را قبول نمودند و این اقرارنامه‌ی رسمی به احتمال قوی باعث تقدم تعمق بر این راز خواهد شد.

ترجمه‌ی متن آیین

مبنای ترجمه‌ی ما متن توجیهی - انتقادی است که بر مبنای متن خطی «مار اشعیا در شهر موصل» و احتمالاً به قرن ۱۰ بر می‌گردد.

در جاهایی که متن فوق کامل نیست به این علت که نسخه بردار آن تصور می‌کرد که برپا کننده‌ی مراسم آن را از حفظ می‌خوانده است، ما آن بخش‌ها را با استفاده از «متن تثبیت شده» (textus receptus) تکمیل نموده و این قسمت‌ها را با حروف پررنگ مشخص نموده‌ایم.

سپاسگزاری

اسقف یا کشیش: خداوندا، تو را سپاس می‌گوییم،
به خاطر غنای بی‌کران فیضت برای ما.
اسقف: فیض خداوند ما عیسا مسیح،
به هنگامی که گناهکار و درمانده بودیم،
با رحمت بی‌کران خود ما را سزاوار آن دانستی
تا رازهای مقدس
تن و خون مسیح را برپا داریم.



یاری و مدد تو را تمنا می‌کنیم.
روح ما را قوی گردان
تا با شفقتی سرشار و محبتی زلال،
مراسم عطیه‌ای را که به ما داده‌ای برپا داریم.

تو را ستایش می‌کنیم، تو را جلال می‌دهیم،
تو را سپاس می‌گوییم، تو را نیایش می‌کنیم،

اکنون و همواره تا ابدالابد.
 جماعت: آمین.
 اسقف: آرامش خداوند بر شما باد.
 جماعت: با تو و با روح تو نیز
 خادم: آرامش را در شفقت مسیح به یکدیگر عطا فرماید.
 جماعت: در اتحاد با پدران و برادران ما که در ایمان به سر می برند.
 خادم: سپاس گوئیم و نیایش کنیم.

اسقف: فیض خداوند ما عیسا مسیح،
 محبت خدای پدر
 و مشارکت روح القدس
 بر همه ی شما باد،
 اکنون و همواره،
 و تا ابدالابد.^۸
 جماعت: آمین.

اسقف: روح خود را برافرازید.
 جماعت: روح ما به سوی توست
 ای خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب،
 ای شاه جلال.

پیر: هدایا به پروردگار،
 خداوند جهانیان تقدیم گردیده است.
 جماعت: به جا و سزاوار است.
 خادم: آرامش خداوند بر شما باد.
 پیر: شایسته است که هر دهانی تمجید تو،
 و هر زبانی سپاس گوید،
 نام پر جلال^۹ و پراز ستایش
 پدر و پسر و روح القدس را.
 جهان را برحسب فیض خود آفرید
 و آنان که برحسب بخشایش وی در آن ساکنند.
 آدمیان را بر طبق رحمت خویش نجات بخشید.
 او انسان فانی را از فیض عظیم خود سرشار نمود.

۸-۲ قرن ۱۳: ۱۳

۹- اشاره احتمالی به (فی ۲: ۹-۱۱) که در آن کتاب، ستایش متوجه مسیح از مرگ برخاسته می باشد.

شکوهت را ای خداوند،
 هزاران هزار ارواح آسمانی می ستایند.
 کرور کرور، فرشتگان،
 گروه ارواح (آسمانی)،
 خادمان آتش و روح
 با کروییان و سرافیان قدیس
 جلال نام تو را می سرایند.
 و به آواز بلند تو را جلال می دهند.

قدوس

جماعت: قدوس؛ قدوس؛ قدوس^{۱۰}
 پروردگار قادر مطلق.
 آسمان و زمین سرشار از ستایش توست.
 هوشیاعانا در اعلا و علین!
 مبارک باد آن که به نام خداوند می آید و خواهد آمد!
 هوشیاعانا بر پسر داود باد!



به همراه قدرت های آسمانی
 خداوندا، ما نیز تو را سپاس می گوئیم،
 ما بندگان درمانده، ناتوان و حقیر تو،
 به خاطر فیض عظیمی که به ما بخشیده ای،
 که در برابر آن چیزی نتوانیم داد.
 زیرا تو انسانیت ما را بر خود پوشیده ای
 تا با الوهیت خود ما را حیات بخشی.
 تو حقارت ما را تعالی داده ای،
 ما را از سقوط برخیزانندی،
 فنای ما را به حیات تبدیل نمودی،
 گناهان ما را بخشیدی.
 تو ما را از گناهانمان تبرئه نمودی،
 افکار ما را روشن گردانندی.

۱۰- نیایش قدوس از روی ترجمه ی آنافورای تئودور مویسوستیا تکمیل شده است. عده ای از محققین توافق نظر دارند که این نیایش قدوس بعداً در متن اصلی گنجانده شده است.

تو ای خداوند و خدای ما،
تو دشمنان ما را سرکوب نمودی،
طبیعت انسانی ضعیف و ناتوان ما را
به پیروزی رساندی
با رحمت های فراوان فیض خود.

به خاطر تمام یآوری ها و فیض تو از بهر ما،
تو را ستایش نموده، افتخار،
سپاس و عبادت تقدیم می داریم،
اکنون و همواره
تا ابدالابد.
جماعت: آمین.

شفاعت

خادم: در روح خود، نیایش کنید.
آرامش خداوند با شما باد.
پیر: خداوندا، بر حسب رحمت های فراوانت
که آن را نتوان شمرد،
با مهربانی به یادآور
همه ی پدران سرسپرده و عادل
که تو را خشنود می نمودند،
همان گونه که ما به یاد می آوریم
تن و خون مسیح تو را.
ما او را بر قربانگاه پاک و مقدس
آن چنان که ما را آموخته ای
تقدیم تو می داریم.
آسایش و آرامش خود را بر ما ارزانی فرما
در تمام ایام این جهان.
جماعت: آمین.
اسقف: باشد که ساکنان زمین همگی تو را بشناسند
زیرا تنها تو خدایی، پدر حقیقی.
تو خداوند ما عیسا مسیح را فرستادی.
او پسر توست، محبوب تو.
اوست خداوند ما و خدای ما،



که با انجیل حیات بخش خود
 تمامی پاکی و تقدس انبیاء،
 رسولان، شهدا و مدافعان ایمان،
 اسقف ها، پیران، خادمان
 و همه ی پسران و دختران کلیسای مقدس جامع تو را
 که با مهر زنده ی تعمید مقدس ممهور گشته اند، به ما آموخت. ۱۱
 و ما نیز خداوندا ۱۲
 خدمتگزار ضعیف، در مانده و حقیر تو
 گرد هم آمده
 و در این لحظه در برابر تو ایستاده ایم،
 و از طریق سنت، مراسمی را که منشأ آن در تو است دریافت داشته ایم.
 ما شادی می کنیم و جلال می دهیم،
 ما بزرگ می داریم و یادآور می شویم،
 ما ستایش می کنیم و جشن می گیریم،
 این راز عظیم و پر هیبت
 خداوند ما عیسا ی مسیح را.

طلب نزول روح القدس ۱۳

خادم: در سکوت و احترام بمانید.
 نیایش کنید. آرامش با شما باد.

۱۱- به عقیده ی «ب. بوت» روایت بنیانگذاری آیین سپاس باید در این قسمت از متن می آمد. ولی در سنت خیلی قدیمی آیین آدای و ماری نشان می دهد کلمات عیسی در شام آخر وجود ندارد. در واقع این آیین شهادت می دهد و به ما یادآوری می کند که اصولاً نیایش ما سپاس گذاری برای تمام برکات که پدر آسمانی در یکتا پسرش عیسی به ما داده می باشد و نه این که تنها شام آخر را نیایش دهد و اظهار کند. آن که نان و شراب را تقدیس می کند تمام نیایش سپاس گذاری می باشد و نه فقط کلمات مسیح در شام آخر که کشیش آن را تکرار می کند. در واقع لازم نیست آن چیزی را که انجام دهیم، ابراز کنیم. . . این نیایش آدای و ماری که امروز بدون تکرار کلمات مسیح در شام آخر می باشد، توسط کلیسای شرق آشور اجرا می شود؛ با علم به این که کلیسای آشوری-کلدانی کاتولیک عادت کرده که کلمات مسیح را طبق آیین کلیسای لاتین اضافه کند.

این بینش قدیمی با تعلیمی که در کلیساها، مخصوصاً کلیسای لاتین بعداً تهیه کردند، ظاهراً تطابق ندارد. با این حال، روز بیستم جولای ۲۰۰۱، بالاترین اقتدار واتیکان، اعتبار این آیین را قبول کردند، چون اجازه دادند که ایمان داران کاتولیک اگر لازم هست، در همان آیین شرکت کنند.

۱۲- رابطه ی روحانی این قسمت با آیین نیایش واضح نمی باشد. اگر شرح بنیانگذاری آیین سپاس پیشتر می آمد ممکن بود فرض کنیم که این یک نیایش یادبود است. در ترجمه ی فوق این آنافورا می توان فرض نمود که این قسمت دنباله ی نیایش شفاعت و یا آغاز نیایش طلب نزول روح القدس است.

۱۳- جنبه ی قدیمی این نیایش طلب نزول روح القدس از آن جا آشکار می گردد که در آن طلب روح القدس به منظور تبدیل تقدیمی ها به تن مسیح- همان طور که در دوران بعد مرسوم شده است- صورت نمی گیرد بلکه تنها به منظور جلب برکت الهی بر تقدیمی ها و برای جلب نعمت های روحانی بر کلیسا اقامه می شود. جمله ای که خادم در مقدمه این نیایش طلب روح القدس اعلام می کند بر اهمیت این نیایش تاکید می نهد.



پیر: خداوندا باشد که روح القدس تو فرا رسد
و بر این هدیه ی بندگان تو قرار گیرد،
آن را متبارک داشته و تقدیس گرداند،
تا خداوندا، برای ما،
مایه ی بخشایش خطاها و بخشش گناهان،
امید بزرگ رستخیز مردگان،
و زندگانی نوین در ملکوت آسمان باشد
به همراه همه ی آنانی که تو را خشنود داشته اند.

مدح و ثنا

به خاطر مشیت الاهی و شگفت آور تو
که برای ما به تحقق رسانده ای
تو را سپاس می گویم و همواره جلالت را می سراییم
در کلیسای تو، که آن را
با خون گران بهای مسیح باز خرید نموده ای.
ما با دهانی باز و رویی گشاده
ستایش و افتخار،
حق شناسی و سپاس
بر نام زنده، قدوس و جانبخش تو تقدیم می داریم
اکنون و همواره
و تا ابدالابد.
جماعت: آمین.

البته بعد از این سپاسگزاری، آیین تقسیم نان و مشارکت ایمان داران اجرا می شود.

الف - آیین هیپولیتوس رومی

زندگی نامه:

در سال ۲۱۲ میلادی «اوريجن» جوان، سفری به رم کرد تا همان طور که خود بیان نموده است «کلیسای بسیار قدیمی روم» را بشناسد. او در این سفر فرصت یافت تا موعظه ای درباره ی «مدح خداوند و منجی ما» بشنود. واعظ، «هیپولیتوس» نام داشت و یکی از کشیشان کلیسای رم بود. اما

تبحر او در علوم، نبوغ نویسندگی اش و روابط شخصی متعددی که داشت وی را در ردیف شخصیت اول رویدادهای تازه‌ی مذهبی آن دوران قرار داده بود. شناخت عمیق وی از فلسفه‌ی یونانی و آشنایی اعجاب‌انگیزش با عقاید مذهبی مرموز شرقی این تصور را به وجود می‌آورد که وی نه از تبار رومی یا لاتین بلکه از تبار شرقی بوده است.

در آن زمان، مباحثات خداشناسی به خصوص درباره‌ی تثلیث، رم را در صحنه‌ی برخورد تعالیم اساسی کلیسا تبدیل کرده بود. مجادلات شدید بودند.

فعلاً این سؤال پیچیده درباره‌ی الاهیات موضوع بحث ما نمی‌باشد، فقط بدانیم که هیپولیتوس درباره‌ی تفسیر کتاب مقدس چند مطلب زیبا و جالب به تحریر در آورد، اما به زبان یونانی می‌نوشت زبانی که کلیسای رم به زودی فراموش خواهد کرد و زبان لاتین را جایگزین آن می‌کند. اما کلیساهای شرق به این الاهی دان غربی توجه خاصی داشته‌اند و حال، کلیسای کاتولیک لاتین از نیایش او امروز استفاده می‌کند. که در کتاب خود به عنوان سنت رسولی به رشته‌ی تحریر در آورد.

سنت رسولی:

هیچ نوشته‌ای از هیپولیتوس بدان حد در دنیای الاهی دانان و به ویژه در میان علمای دینی به اندازه‌ی کشف و تشخیص هویت رساله‌ی «سنت رسولی» جلب توجه ننموده است. این متن که نگارش آن در واقع به سال ۱۳۱۵ است غنی‌ترین مأخذی می‌باشد که هم اکنون برای درک مرامنامه‌ی کلیسای رومی و آیین نیایش آن در آغاز قرن سوم در دست داریم. این کشف برای پژوهش‌های علمی موفقیت بزرگی بود.

در سال ۱۵۵۱ در گورستان رومی «اگرورانو» (Ager Veranus) در (Via Appia) مجسمه‌ای از هیپولیتوس در حفاری از خاک بیرون آورده شد که بر روی پایه‌ی آن فهرستی از آثار حک شده بود. در بین نوشته‌های رومی این پایه، این عنوان (Apostolike Paradosis) یعنی «سنت رسولی» نیز به چشم می‌خورد. اما بر سر اصل «سنت رسولی» چه آمده بود؟

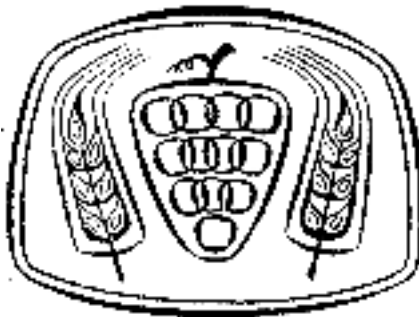
از سال ۱۸۷۰ به بعد دانشمندان، مجموعه‌ی «قوانین کلیسای هیپولیتوس» را که به زبان قبطی به عربی ترجمه شده بود، در دسترس داشته‌اند. اما منتقدین، بر این اثر که به نظر می‌رسید تألیف و گردآوری از منابع مختلف بوده و به سختی قابل تطبیق با «سنت رسولی» بود به دیده‌ی تردید می‌نگریستند. با وجود این، رابطه‌ی غیرقابل انکار «قوانین کلیسای هیپولیتوس» با دیگر مدارک موجود، از جمله «مرامنامه‌های رسولی» که تألیفی به زبان یونانی از اصل سربانی مربوط به قرن چهارم، «عهد خداوند ما» از اصل سربانی و احتمالاً مربوط به قرن پنجم، و بالاتر از همه «مرامنامه‌های کلیسای مصری» متمرکز گردید. زمانی طولانی با بحث در مورد فرضیه‌های بی‌نتیجه

تلف گردید. نخستین محقق «اد. شوارتز» (Ed. Schwartz) نشانه‌هایی از اثر مورد جستجو را در «مرامنامه‌های کلیسای مصری» به فراست دریافت و نظریه خود را در سال ۱۹۱۰ منتشر نمود. شش سال بعد، «ر.ه. کونولی» (R.H Connolly) بدون آشنایی با کار پیشینیان خود موفق گردید با اطمینان ثابت نماید که «مرامنامه‌ی کلیسای مصری» تکیه‌گاه تمام تألیفات دیگر بوده و در حقیقت با «سنت رسولی هیپولیتوس» مطابقت داشته است.

این متن اولیه، پیش از آن که به دست ما برسد سرگذشت مهیجی داشته است. می‌دانیم که هیپولیتوس آثار خود را به زبان یونانی می‌نوشت. متن اصلی مفقود گردیده اما احتمالاً در اوایل قرن چهارم به زبان لاتین ترجمه شده بود که به شکل طوماری در کتابخانه راهبان شهر «ورونا» (Verona) در ایتالیا کشف گردید. متن این ترجمه ناقص و برخی از صفحات آن مفقود گردیده است اما در کل به متن اصلی بسیار وفادار است به طوری که حتی زبان اصلی یونانی آن از ورای اشتباهات و سوء تعبیرهای مترجم آشکار و هویدا می‌باشد. برای تکمیل بخشهای مفقود شده‌ی این متن لاتین باید از متون شرقی دیگر کمک گرفت. «مرامنامه‌ی کلیسای مصری» به زبان‌های قبطی (ابتدا به گویش «ساهی دیک» و بعد به گویش «بوهاریک»^{۱۴})، عربی و حبشی نیز ترجمه شده است. ابتدا هیپولیتوس آیین دستگذاری بر اسقف نوین تشریح نموده و درباره‌ی آنافورا توضیح می‌دهد.

- آنافورا Anaphora

بلافاصله پس از مراسم اعطای مرتبت اسقفی و دادن بوسه‌ی صلح، اسقف جدید آیین نیایش سپاسگزاری را برپا می‌دارد. او این مراسم را در اتحاد با «جماعت پیران کلیسا» به انجام می‌رساند. از بخت بلند ماست که متن آنافورایی^{۱۵} که طی نخستین نیایش سپاسگزاری خوانده می‌شود را به دست داریم.



دستورالعمل‌هایی که هیپولیتوس برای ما باقی نهاده است، در اطلاع از چگونگی برپایی آیین نیایش سپاسگزاری در روم در سال ۲۱۵ ما را یاری می‌دهد. این نیایش (آنافورا) مسلماً تنها نوع

۱۴- ساهی دیک (Sahidic) لهجه‌ی مصر علیا و بوهاریک (Bohairic) لهجه‌ی مصر سفلا را گویند.

۱۵- در زبان یونانی قدیم «آنافورا» (Anaphora) به معنی تقدیم (یا «برافراشتن») قربانی به سوی یکی از خدایان است. در زبان سپاسگزاری مسیحی این واژه مفهوم نیایش تقدیمی در آیین سپاسگزاری را دارد و اساساً شامل روایت بنیانگذاری شام آخر مسیح و کلمات ویژه‌ی تقدیس می‌باشد.

متداول در آیین نیایش رومی آن زمان نبوده اما تنها متن و نخستین تألیف ادبی مسیحی است که از این دوران کهن، به دست داریم.

در هر حال، هیپولیتوس در نظر ندارد متن خود را تحمیل نماید. او فقط آن را پیشنهاد می دهد. او هم چنین حق بدیهی سرایی آزاد را برای رهبر مراسم محفوظ می دارد و نیز حق روح القدس می داند که از لب ها و قلب برپا کننده ی مراسم که مسیح را به جماعت می شناساند، این نیایش را با عبارات دیگری بسراید.

جنبه ی مسیح شناسی در این آنافورا به وضوح مشاهده می شود. هم چنین متوجه می شویم که در این نیایش بخش «قدوس» که بعداً مرسوم می گردد وجود ندارد و از اشاره با اعمال عجیب خدا در آفرینش و تاریخ نجات که همانا *Mirabilia Dei* باشد نیز ذکری به میان نمی آید. صراحت فوق العاده در دستورالعمل های هیپولیتوس این نیایش را پویایی باشکوهی می بخشد. آنافورا با آن روحیه ی قدیمی و بی پیرایه اش از درخشندگی خاصی برخوردار است. این نیایش عاری از تفصیلات و اضافاتی است که با آنها در قرن های بعد مشتاقانه آن را می آراستند، به سان پوششی سرسبز اما انگل گونه که باعث پنهان شدن همان زیبایی که در صدد تشدید آن بودند، می گشت. این آنفورای کهن هیپولیتوس از قرن ها پیش در روم به دست فراموشی سپرده شده اما هنوز توسط پیران کلیسای حبشی خوانده می شود و امروز اساس نیایش دوم آیین سپاس را تشکیل می دهد. در نتیجه، کلام آن شهید رومی امروز نیز در کلیسای جهان طنین انداز است.

ندای استقبال:

وقتی به عنوان اسقف تقدیس گردید همه به او بوسه ی صلح بدهند و با این ندا از وی استقبال کنند. «به شایستگی رسیده است!»
آن گاه خادمان کلیسا نان قربانی را نزد وی می آورند. اسقف با نهادن دست بر تقدیمی ها به همراه دیگر پیران کلیسا چنین سپاس گوید:

- خداوند با شما باد!

جماعت پاسخ دهند:

و با روح تو نیز!

- قلب های خود را برافرازیم.

قلب های ما به سوی خداوند است.

- سپاس خداوند را به آریم

زیرا که درست و امین است!

سپاسگزاری:

اسقف چنین ادامه دهد:
 خدایا، تو را سپاس می گوئیم،
 از طریق فرزند دلنندت عیسا مسیح،
 که او را در ایام آخر^{۱۷} برای ما فرستاده ای
 به عنوان منجی، نجات دهنده و پیام آور اراده ی تو.
 او کلمه ی جدایی ناپذیر توست،
 که از طریق او همه چیز را آفریده ای
 و خرسندی خود را در او یافتی.

تو او را از آسمان فرستادی
 به درون بطن باکره ای قدیس.
 او شکل گرفت و جسم پوشید،
 و خود را چون پسر تو، بر ما ظاهر کرد،
 او که از روح القدس و باکره ی قدیس زاده شد^{۱۸}.



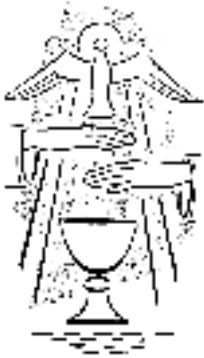
او اراده ی تو را به انجام رساند،
 و جهت فراهم آوردن قومی مقدس برای تو،
 بازوانش را ضمن رنج کشیدن بگشود
 تا آنانی را که به تو ایمان دارند
 از رنج برهاند.

روایت بنیانگذاری سپاسگزاری:

او هنگامی که داوطلبانه
 خود را به رنج می سپرد تا مرگ را نابود کند،
 تا زنجیرهای شیطان را بگسلد،
 تا دوزخ را به زیر پاهایش لگدمال کند،
 تا نورش را بر عادلان بتاباند،

۱۷- به معنی دوران مسیح که آن را «آخرین دوران» نجات منظور داشته اند. ر. لک اع ۲: ۱۷.

۱۸- عبارتی مترادف این عبارت در اثر دیگری از هیپولیتوس به نام «موعظه درباره ی بدعت میلاد مسیح» نیز یافت می شود: «جسمی که توسط کلام خدا به خدای پدر تقدیم شده است. . . همان که از روح القدس و باکره قدیس صادر گردید، و تجلی پسر کامل خداست.»



تا آن پیمان را برقرار کند
و رستاخیزش را بنمایاند،^{۱۹}
نان را گرفت،
تورا شکر کرد و گفت:
«بگیرید، بخورید، این تن من است
که از برای شما پاره می شود».
و به همین ترتیب برای جام، گفت:
«این خود من است
که از برای شما ریخته می شود.
هرگاه این را به جای می آورید،
به یاد من به جای آرید».

یادبود^{۲۰} Anamnesis

پس با یادآوری مرگ
و رستاخیز تو از مردگان،
تورا نان و شراب تقدیم می داریم،
تورا سپاس می گوئیم که ما را سزاوار دانسته ای
که در پیشگاه تو بایستیم و تو را خدمت کنیم.



طلب نزول روح القدس^{۲۱} Epiclesis

از تو تمنا داریم
که روح القدس خود را
بر تقدیمی کلیسای مقدس خود بفرستی،
و تمامی دریافت کنندگان آن را
در اتحاد به گرد هم آوری.

۱۹- به نظر می آید که این دستورالعمل ها از نفوذ «ایرانیوس» Irenaeus قدیس برخوردار است که گفت: «خدای پدر سرشار از رحمت، کلمه را بفرستاد. . . (آن که) بندهای زندان (مارا) بگشود. و نور وی پدید آمد و تاریکی زندان را ناپدید ساخت و تولد ما را تقدیس و مرگ را با گسستن همان بندهایی که در آن گرفتار بودیم، نابود کرد. وی هم چنین از آن جا که خود را نخست زاده از بین مردگان گردانید، رستاخیز خویش را از مرگ نمایان ساخت».

۲۰- واژه یونانی Anamnesis به معنی «یاد» در این جا به نیایشی گفته می شود که از رازهای نجات، که در برپایی آیین سپاس نهفته است یاد می کند و اساس آن را کلام خداوند: «این را به یاد من به جای آورید» تشکیل می دهد.

۲۱- واژه یونانی Epiclesis به معنی تقریبی ندای استقبال. نیایشی است که طالب نزول روح القدس بر تقدیمی ها می باشد.

که ایمان‌شان را در حقیقت استوار می‌دارد، سرشار گردند.
باشد که ما بدین سان تو را ستایش و تجلیل کنیم
از طریق فرزندت عیسا مسیح.

مدح و ثنا:

از طریق او، جلال و افتخار تو را باد،
به پدر و پسر با روح القدس،
در کلیسای مقدس تو،
اکنون و تا ابدالابد!
آمین.

- البته بعد از این سپاسگزاری آیین تقسیم نان و مشارکت ایمان‌داران اجرا می‌شود.

نتیجه‌گیری :

مشارکت در بدن مسیح که همان نان مقدس است؛
مشارکت در بدن مسیح که کلیسای جهانی است.

در پایان این فصل مهم، ابتدا به چندین عادت مرسوم در کلیساهای قدیمی توجه کنیم:
در اول نماز قربانی مقدس، ما بوسه‌ی صلح را که از قربانگاه یعنی از مسیح می‌آید به هم دیگر
منتقل می‌نماییم. بدین ترتیب تأیید می‌کنیم که برای شرکت در برگزاری و مشارکت در بدن مسیح
که این نان به آن تبدیل خواهد شد، بایستی در مشارکت با یکدیگر باشیم، همان‌گونه که عیسا به ما
امر فرمود: «پس هرگاه هدیه‌ی خود را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطرت آید که برادرت بر تو حقی
دارد هدیه‌ی خود را پیش قربانگاه واگذار و رفته اول با برادر خویش صلح نما و بعد آمده هدیه خود
را بگذران» (مت ۵: ۲۳-۲۴).

همین‌طور نیز در کلیساهای قدیمی برای نشان دادن این که کلیسای محلی که نماز قربانی مقدس
را برگزار می‌کند در مشارکت با بقیه کلیساهای محلی که آنها نیز در راز کلیسای جهانی شریک
هستند می‌باشد، اسقفی که سرپرستی برگزاری نماز را به عهده داشت قسمتی از نان تقدیس شده را
برای بقیه‌ی اسقفان نزدیک می‌فرستاد.

برای اجتناب از گرفتن قربانی مقدس مسیح در جامعه ای که اتحاد خود را با بقیه ی کلیساهای محلی قطع کرده بود، مسافر مسیحی از اسقف خود می خواست به او اجازه دهد ذخیره ای از نان تقدیس شده همراه داشته باشد تا بتواند در طی مسافرتش آن را خورده و از مسیح زندگی را دریافت نماید.

این وظیفه اسقف (یا کشیش همکار اسقف که به این منظور تقدیس شده) است که برگزاری نماز را سرپرستی کند چرا که او راز حضور عیسا در میان قوم گرد آمده می باشد. او هم چنین رسالت جمع آوری این قوم را در اتحاد، دریافت کرده، ضامن اتحاد کلیسای محلی با بقیه کلیساهای محلی است. به همین علت هنگام دستگذاری اسقف، چندین اسقف آن منطقه با هم مراسم را برگزار می کنند و از طریق آنها، تمام هیئت اسقفان شرکت می نمایند و اسقف منتخب جدید را به گروه متحد خود با عیسا، یگانه شبان بزرگ وارد می کنند.

مجمع اسقفان واتیکان دوم درباره ی معنای عادت مرسوم در کلیساهای قدیمی توضیح بیشتری می دهد:

«اسقف با پُری راز تقدیس کهناتی پوشیده شده، مسئولیت توزیع فیض کهنات عالی به ۲۰ را بر عهده دارد، خصوصاً در راز سپاسگزاری که او خودش تقدیم می کند یا آن را مجاز می دارد، رازی که حیات و رشد، دائماً برای کلیسا حاصل می گردد، این کلیسای مسیح به راستی در همه گروههای بر حق محلی متشکل از مؤمنینی که در اتحاد با شبانان خود، قوم جدیدی هستند که از سوی خدا در روح القدس و در اعتمادی عظیم فرا خوانده شده اند (ر.ک. ۱-تسا: ۵). در این کلیساهای، مؤمنین به واسطه موعظه انجیل گرد می آیند و راز شام آخر خداوند را برگزار می کنند تا به وسله گوشت و خون خداوند، پیوندهای اخوت در یک بدن پدید آید. ۲۱ هر بار که شراکت در قربانگاه با اتکا به خدمت مقدس اسقف تحقق می یابد، نماد این محبت و این یگانگی بدن عرفانی ظاهر می گردد که بدون آن نجات میسر نیست. در این جوامع که اغلب ممکن است بسیار کوچک و فقیر باشند، مسیح حضور دارد که با قدرت او کلیسای یکتا، مقدس، جامع، و رسولی به وجود می آید. زیرا شراکت در بدن و خون مسیح اثری ندارد جز اینکه ما را تبدیل به آن چیزی کند که دریافت می داریم» (نور جهان ۲۶).

ولی برگزاری هر قربانی مقدس، توسط یک اسقف که وظیفه ی تقدیم پرستش ایمان مسیحی به عظمت شاهوار الهی، و به اجرا در آوردن آن مطابق با فرامین خداوند و مطابق با قوانین کلیسا به طوری که با تصمیمات خاص او در مورد دایره ی اسقفی خویش روشن تر گشته است، ترتیب داده می شود.

۲۰- نیایش تقدیس اسقف طبق آئین بیزانتینی.

۲۱- نامه ی ایگناتیوس به از میر (SMYRNE).

بنابراین، اسقفان با دعا و تلاشی این چنین برای قوم خود، کمال قدوسیت مسیح را از طرق بسیار و به فراوانی به آن منتقل می نمایند. آنان توسط راز کلام، قدرت خدا را با کسانی که به نجات ایمان دارند به شراکت می گذرانند (ر.ک روم ۱: ۱۶). آنها از طریق رازها که تقسیم منظم و ثمربخش آن را توسط اقتدار خود هدایت می نماید، ایمانداران را مقدس می سازد. اسقفان به جای خود کسانی را تعیین می کنند برای تعیین آن شراکتی که در کهنات مسیح بخشیده می شود، سرپرستی می کنند.

اگر کلیسای محلی بدن مسیح را تقدیس می کند و می دهد، این قربانی مقدس است که ما را تبدیل کرده و به ما اجازه می دهد تا در بدن مسیح که کلیسا است شرکت داشته باشیم، همان طور که مجمع اسقفان با ذکر جمله ای از یکی از پدران کلیسا، قدیس لئون کبیر (قرن پنجم) به ما یادآوری می کند: «شراکت در خون و بدن مسیح چیزی جز تبدیل ما به آنچه که می خوریم و می نوشیم نیست».

در خاتمه باز کلام خدا را تعمق کنیم و ملاقات این دو شاگرد در راه عمواس را دوباره بخوانیم (لو ۲۴: ۱۳-۳۶).

با این تعمق لوقا کوشش می کند به ما بفهماند چگونه هر روزه او زنده است و با ما می ماند (ر.ک. مت ۲۸: ۲۰).

اما توجه کنید که این صحنه یا ملاقات شب روز رستاخیز اتفاق افتاد. شاگردان بعد از صلیب مطلقاً ناامید شده و از گروه شاگردان دیگر، یعنی از کلیسا دور می روند، و به عیسی نیز این ناراحتی عمیق را ابراز می کنند: «ما امید داشتیم... اما الان...» (آیه ی ۲۱). بعضی وقت ها ما نیز وقتی بکشنه به کلیسا می رسیم ناراحتی های خود را ابراز می کنیم: «خداوندا بر ما رحمت فرما...».



«با ما بمان زیرا شب نزدیک است.» (لو ۲۴: ۲۹)

فوراً عیسا شناخته نشده است و با این دو راه افتاده بصورت طولانی بر طبق عهد قدیم معنی قربانی خود را توضیح می دهد (آیه ی ۲۷). هم چنین ما در قسمت اول نیایش کلیسا چند متن از کتاب مقدس با به تفسیر آنرا گوش می دهیم و کم کم دل ما پر از محبت، گرم می شود به مانند شاگردان (آیه ی ۳۷).

بالاخره عیسی به سفره ی شاگردان نشسته نان را گرفت سپاسگزاری کرد و آنرا پاره کرده داد... (آیه ی ۳۰).

در برابر این نشانه ما نیز در ایمان حضور مسیح در میان ما زنده را باز می‌شناسیم (آیه‌ی ۳۱). فوراً شاگردان به اورشلیم برگشته به کلیسای جمع شده ملحق می‌شوند همین‌طور که ما کاملاً ملحق می‌شویم: «واقعاً خداوند رستاخیز کرده است.» (آیه‌ی ۳۴). در نتیجه بعد از یافتن برکت و آرامش او (خط ۳۶) می‌رویم تا با تمام و کلیسا به او شهادت دهیم (آیه‌ی ۴۸).



سؤال برای تعمق بیشتر:

- ۱- با مقایسه قسمت مهم آیین کلیسای بیزانتینی با آیین کلیسای آدای و ماری چه تفاوت‌هایی دیده می‌شود؟
- ۲- از چه دیدگاه آیین کلام خدا اهمیت دارد؟
- ۳- چرا بعد از آیین کلام خدا از تعمیدخواستگان درخواست می‌شود که جمعیت را ترک نمایند.
- ۴- آیین نیایش ایمان داران چند قسمت دارد و در آن قسمت کشیش یا اسقف آمدن روح القدس را کی می‌طلبند و با چه حرکت مخصوص؟ و کار روح القدس در این آیین چیست؟
- ۵- چگونه تعمید یافتگان می‌توانند بهتر در این آیین شریک شوند؟ چه اشکالاتی مشاهده می‌کنید؟ چگونه حل کردن آن امکان‌پذیر می‌باشد؟
- ۶- این متن‌ها را بخوانید (یو: ۳۴-۵۸، خروج: ۱۶-۱۴، یو: ۵: ۱۰-۱۲، من: ۲۳-۲۵، مک: ۱۷: ۲۴) آیا تعمید یافتگان می‌توانند از مشارکت در این آیین خودداری نمایند؟ چرا؟ اما در چه موردی نمی‌توانند در آن شریک شوند؟ (۱- قرن ۱۱: ۲۸-۳۲).

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- ۱- بهار آئین نیایش
- ۲- عشای ربانی سرچشمه زندگی کلیسا